

تأمین و تولید امنیت در وضعیت جنگ



سردار حمید علیانپور
فرمانده‌نظامی‌استان‌اسفهان

زیرساخت‌ها، احساس ناامنی و نگرانی‌های اجتماعی به همراه دارد. در این شرایط، پلیس به مسئول حفظ نظم و امنیت موظف است اقداماتی را ترتیب دهد که نه‌تنها امنیت شهروندان را تأمین کند، بلکه به تقویت احساس امنیت روانی نیز کمک نماید.

این اقدامات شامل برقراری گشت‌های امنیتی هدفمند در مناطق آسیب‌دیده، که به کاهش جرم و جنایت در این نواحی می‌انجامد و ایجاد ایستگاه‌های پلیس موقت به منظور تسریع در ارائه خدمات و پاسخگویی سریع به مسائل اضطراری است. همچنین، پلیس باید با همکاری و ارتباط مؤثر با سازمان‌های محلی و نهادهای اجتماعی، از ظرفیت‌های موجود بهره‌برداری کرده و حس همبستگی اجتماعی را تحکیم بخشد.

جنگ‌ها نه‌تنها آسیب‌های جسمی بلکه صدمات عمیق روانی به جامعه وارد می‌آورند. پلیس در این زمینه باید به این موضوع توجه خاص داشته باشد و با فراهم‌سازی فضایی امن به نقش تسهیلگر و حامی جامعه بپردازد. این امر مستلزم ارائه برنامه‌های مشاوره‌ای مؤثر، تشکیل گروه‌های حمایتی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه حقوق شهروندی و آگاهی‌های بهداشت روانی است.

چنین اقداماتی می‌تواند به بازسازی حس امنیت و اعتماد در جامعه کمک کند و احساس حمایت اجتماعی را در افراد آسیب‌دیده تقویت کند. به علاوه، ایجاد یک سیستم حمایتی منسجم که شامل نهادهای مختلف اجتماعی باشد، می‌تواند به فرآیند بهبود و بازتوانی افراد آسیب‌دیده کمک و آنها را در مواجهه با چالش‌های جدید همراهی کند. وجود اطلاعات شفاف و به موقع در دوران بحران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. پلیس باید به عنوان یک منبع معتبر اطلاعات در جامعه عمل کند و با اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع، از انتشار شایعات و ابهامات جلوگیری کند. ایجاد پلتفرم‌های ارتباطی آنلاین و استفاده از رسانه‌های اجتماعی به عنوان راهکارهای مؤثر برای ارتباط مستقیم با شهروندان، می‌تواند علاوه بر تقویت اعتماد عمومی به پلیس به رشد آگاهی عمومی و اعتمادسازی میان جامعه و پلیس بینجامد و به نهادینه شدن ارتباطات مؤثر و سازنده منجر شود.

پلیس باید در مدیریت بحران به سمت همکاری نزدیک با نهادهای اجتماعی و غیردولتی سوق یابد. این همکاری می‌تواند شامل برگزاری کارگاه‌های آموزشی مشترک برای نیروهای پلیس و اعضای جامعه، تهیه طرح‌های پیشگیرانه و مدیریت بحران و تبادل اطلاعات در راستای شناسایی نیازهای اجتماعی باشد. از تقای روابط میان پلیس و جامعه از طریق این همکاری‌های می‌تواند به ایجاد حسنی از همبستگی و تعاون در مواجهه با بحران‌ها کمک کند همچنین بهره‌مندی از نظرات و تجربیات اعضای جامعه در این حوزه می‌تواند به تقویت پاسخگویی و کارآمدتر شدن اقدامات پلیس منجر شود و در نهایت به بهبود وضعیت امنیتی در سطح میدانی بینجامد.

در نهایت، پلیس باید نقش فعالی در مدیریت بحران‌های اجتماعی ایفا کند و به عنوان نهاد حیاتی در بازسازی امنیت و نظم عمومی شناخته شود. با تمرکز بر نیازهای واقعی جامعه و ایجاد ارتباط مؤثر و سازنده، پلیس می‌تواند به بهبود تعاملات اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و به طور کلی تقویت امنیت اجتماعی کمک نماید. شرایط جدید ناشی از جنگ بر اهمیت این نقش افزوده‌است و برای تحقق این امر، پلیس نیازمند همکاری مستمر و مؤثر با تمامی نهادهای اجتماعی و محلی است تا بتواند چالش‌های پیش رو را به خوبی مدیریت کند و از این طریق احساس امنیت و آرامش را در بین افراد جامعه ارتقا دهد.



فروش ۵۰۰ تن گوشت‌های تنظیم‌بازار به کبابی‌ها!

یکی از وارد کنندگان فرآورده‌های دامی که ۵۰۰ تن گوشت تنظیم‌بازار را به کبابی‌ها فروخته‌بود، بازداشت و ۱۴۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان جریمه شد. به گزارش «جوان»، سردار حسین رحیمی گفت: مأموران پلیس امنیت اقتصادی در جریان نظارت بر زنجیره توزیع غذایی تخلف صورت گرفته در حوزه توزیع گوشت‌های وارداتی را کشف کردند. بررسی‌ها نشان داد یکی از وارد کنندگان فرآورده‌های دامی ۵۰۰ تن گوشت‌های تنظیم‌بازار که با ارز دولتی وارد شده‌بود، به جای توزیع در فروشگاه‌های زنجیره‌ای به صورت آزاد به کبابی‌ها و رستوران‌ها فروخته‌است.

سردار حسین رحیمی با بیان اینکه ارزش پرونده حدود ۱۴۳ میلیارد تومان برآورد شده‌است، گفت که متهم از سوی شعبه رسیدگی به جرائم ملی سازمان تعزیرات حکومتی به ۱۴۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان جریمه محکوم شده‌است. وی از شهروندان خواست گزارش‌های خود را از طریق شماره ۰۹۶۳۰۰ در اختیار پلیس امنیت اقتصادی قرار دهند.

اعضای بدن مأمور پلیس راهور که در جریان حمله خودرویی یکی از آشورار به شهادت رسیده‌است، به بیمارآن نیازمند اهدا شد.

سرهنگ احمد کرمی‌اسد، رئیس پلیس‌راه راهور فراجا در شرح حادثه شهادت مأمور پلیس راهور گفت: سرگرد توحید مهرپوردارستانی ۳۸ ساله، جانشین پلیس‌راه رشت به لاهیجان در جریان کنترل ترافیک توسط سارق خودرو مجروح شد و بعد از انتقال به بیمارستان به شهادت رسید. ساعت ۱۵:۵۱ هشتم تیرماه، سرقت یک خودرو به پلیس گزارش شد.

مأموران همزمان با شناسایی سارق در حال تعقیب بودند که سارق خودرو را رها و خودروی سمند سفیدرنگی را سرقت می‌کند و به فرار ادامه می‌دهد. از آنجا که تلفن همراه مالک در خودرو جامانده‌بود مالک با شماره دیگری به گوشی تلفن همراهش رنگ می‌زند و سارق به تماس او جواب می‌دهد و اعلام می‌کند قصد دارد در تصادف

پلیس شهید زندگی بخشید



عمدی به مأموران پلیس حمله کند. متهم بعد از قطع تماس به مسیر فرارش ادامه می‌دهد و زمانی که با گشت پلیس راهور مواجه می‌شود به صورت عمد به سرگرد توحید مهرپوردارستانی

پرونده شوهر کشی در دادگاه بررسی می‌شود

■ **غلامرضا مسکنی**

زن جوانی که با همدستی پسر مورد علاقه‌اش شوهرش را به قتل رسانده است، در دادگاه کیفری محاکمه می‌شوند. قاتل در بازجویی‌ها ادعا کرد از دست رفتارهای شوهرش خسته شده بود و پس از آشنایی با پسر مورد علاقه‌اش در اینستاگرام نقشه قتل را طراحی و اجرا کرده‌اند.

چندی قبل مأموران پلیس شهرستان قم با تماس تلفنی مرد چوپان از کشف جسد مردی در بیابان‌های اطراف شهر باخیر و راهی محل شدند.

جسد متعلق به مرد میانسالی بود که به نظر می‌رسید دو، سه روزی از مرگش گذشته‌است و هیچ مدرک شناسایی هم همراه نداشت. جسد، لباس خانه به تن داشت و همین موضوع حکایت از آن داشت که وی در خانه‌اش به قتل رسیده و عامل یا عاملان قتل جسد را به این مکان منتقل کرده‌اند تا ردی از خود به جا نگذارند. بدین ترتیب جسد مقتول برای انجام آزمایش‌های لازم، مشخص شدن علت اصلی مرگ و شناسایی هویت به پزشکی قانونی شهرستان قم منتقل شد.

■ **مسمومیت دارویی**

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، پزشکی قانونی اعلام کرد مرد میانسال بر اثر مسمومیت دارویی و مصرف متادول و ترامادول به کام مرگ رفته است. مأموران پلیس در بررسی پرونده افراد گمشده و استعمال از شهرهای اطراف به شکایت پسر جوانی در تهران رسیدند که برای پدرش اعلام مفقودی کرده بود. پسر جوان گفته بود پدرش ایرج راننده تاکسی است و از مدتی قبل با همسر سومش زندگی می‌کرده که به‌طرز مشکوکی ناپدید شده است.

از آنجایی که جسد کشف شده با مشخصات ظاهری ایرج شباهت زیادی داشت، خانواده مرد تاکسی‌دار به پزشکی قانونی دعوت شدند و جسد پدرشان را شناسایی کردند.

پسر مقتول به مأموران گفت: «پدرم همراه همسر سومش که زن جوانی به نام مژگان است زندگی می‌کرد که ناپدید شد. مژگان ادعا می‌کرد خبری از سرنوشت پدرم ندارد، اما تاکسی پدرم در پارکینگ خانه او را یکی از خیابان‌های شرقی تهران است، همین موضوع مشخص می‌کند که پدرم آخرین بار خانه همسر سومش بوده و الان هم به او مشکوک هستم. از طرفی مژگان مدتی است که به تلفن همراه من جواب نمی‌دهد».

■ **رابطه پنهانی**

بنابراین با شکایت پسر جوان، پرونده برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. بررسی مأموران نشان داد مژگان پس از حادثه محل زندگی‌اش را به مکان نامعلومی تغییر داده است. همچنین در بررسی پیامک‌های تلفن همراه زن جوان و مقتول مشخص شد مژگان

■ **آرمین بینا**

دختر جوان پس از آشنایی با مرد جوانی در

اینستاگرام تصمیم گرفت از خانه‌شان فرار کند، اما خبر نداشت قرار است با شکنجه‌های او و همدستانش تا یک قدمی مرگ بیرو. چند روز قبل زن و مردی میانسال به اداره پلیس تهران رفتند و از ناپدید شدن دختر جوانشان به نام پروانه شکایت کردند.

پدر دختر گمشده گفت: «پروانه امروز صبح از خانه بیرون رفت، قرار بود به آموزشگاه زبانی برود که در آنجا درس می‌خواند، اما دیگر به خانه برنگشت. وقتی خبری از او نشد، متوجه شدیم اصلاً امروز به کلاس زبان نرفته و دوستانش هم از او خبری ندارند و الان نگرانم هستیم».

■ **یک قدم مانده به مرگ**

با شکایت اعضای خانواده دختر جوان، تیمی از مأموران پلیس پایتخت برای پیدا کردن ردی از پروانه وارد عمل شدند. بررسی‌ها نشان داد پروانه

حواالت

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

متهم نیز تاکام می‌ماند و خیلی زود در دام پلیس گرفتار می‌شود. متهم در اولین بازجویی‌ها اعتراف می‌کند با انگیزه قبلی به پلیس حمله کرده است. براساس این گزارش، دو روز قبل خبر رسید تلاش برای درمان مأمور پلیس ثمری نداشتته و او به دلیل شدت جراحات به شهادت رسیده است. این خبر اما ساعتی بعد از سوی پلیس تکذیب شد، ولی روز گذشته شهادت سرگرد توحید مهرپور تأیید شد. در توضیح این موضوع اعلام شده است که در معاینه اولیه، وضعیت خاصی مشاهده نشد، به همین دلیل وی مرخص شد و به منزل بازگشت، اما پس از ۴۸ ساعت، علائم نگران‌کننده‌ای نظیر سرگیجه و دوبینی در او ظاهر شد برای همین خانواده و همکارانش او را به بیمارستان بازگرداندند که تلاش پزشکان ثمری نداشت و مأمور پلیس به مرگ مغزی مبتلا شد. پس از آن بود که با رضایت خانواده‌اش اعضای بدنش به بیمارآن نیازمند اهدا شد.

از آزار و اذیت‌های شوهرش خسته شده و من هم برای او ترامادول و متادول خریدم و او هم این مواد را به او خورداند و شوهرش به قتل رساند. شب حادثه تلفنی به من خبر داد کار شوهرش را تمام کرده و خواست که در حمل جسد به او کمک کنم. وقتی به خانه‌اش رفتم، دیدم ایرج فوت کرده است که با یکی از دوستانم که خودروی پراید داشت، تماس گرفتم و از او خواستم به خانه مژگان بیایند.»

وی ادامه داد: «آن شب به دروغ به دوستم گفتم مرد فوت شده شوهرخواهرم است، اما بعد واقعیت را به او توضیح دادم. دوستم به من کمک کرد و جسد را به بیابان‌های اطراف قم بردیم و در آنجا رها کردیم».

■ **خسته شدم**

با اعتراف مرد جوان، مأموران دوباره از مژگان تحقیق کردند و این‌بار وقتی فهمید بهنام را ز قتل را برملا کرده ناچار به قتل شوهرش اعتراف کرد.

متهم گفت: «سال ۹۴ ایرج به خواستگاری‌ام آمد، اما من او را دوست نداشتم، چون می‌خواستم با بهنام که از قبل او را می‌شناختم ازدواج کنم. خانواده‌ام می‌گفتند بهنام وضع مالی خوبی ندارد و من هم به زور با ایرج ازدواج کردم. البته ایرج قبل از من دو بار ازدواج کرده بود. او همسر اولش را طلاق داده بود و همسر دومش هم سرطان داشت و فوت کرد و من همسر سومش بودم. زندگی ما از همان ابتدا خوب نبود و هر چقدر هم که می‌گذشت تلخ‌تر می‌شد، به‌طوری‌که من از رفتارهای او خسته شده بودم و دنبال راه فرار می‌گشتم.»

■ **ایستناگرام**

وی ادامه داد: «شوهرم به هر بهانه‌ای با من دعوا می‌گرفت و مرا کتک می‌زد. زندگی‌ام سیاه شده بود تا اینکه به صورت اتفاقی بهنام را در اینستاگرام پیدا کردم. او هم عاشق من بود و مرا دوست داشت، به همین خاطر با او درددل می‌کردم. به بهنام گفتم شوهرم معناد است و سرطان دارد و مرا هم اذیت می‌کند، به همین خاطر می‌خواهم از دست او خلاص شوم و ایرج را به قتل برسانم. پس از مدتی بهنام پیشنهاد داد شوهرم را با قرص متادون مسموم کنم و به قتل برسانم. او گفت چون شوهرم مواد مصرف می‌کند کسی به نحوه مرگش شک نمی‌کند و برای من متادون و ترامادول خرید. من مواد را همراه با آبمیوه به شوهرم خوراندم و او فوت کرد. پس از این جسد را با کمک دوست بهنام به بیابان‌های اطراف قم بردیم و رها کردیم.»

وی در پایان گفت: «ما فکر نمی‌کردیم دستمان رو شود و مدتی پس از قتل به کاشان رفتم و در آنجا با هم ازدواج و زندگی مشترکمان را آغاز کردیم، اما خیلی زود گرفتار شدیم».

دو متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه جرم راهی زندان شدند. متهمان صبح دیروز برای آخرین دفاع با دادسرای امور جنایی منتقل شدند و دوباره حادثه را بازگو کردند. قاضی سبالار صنعتگر کیفرخواست دو متهم را صادر کرد. مژگان به زودی به جرم مباشرت در قتل عمدی شوهرش و بهنام به جرم معاونت در قتل عمدی ایرج در یکی از شعبه‌های دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شوند.

خودش را تاجر فرش معرفی و به من ابراز علاقه کرد.

ما با هم ارتباط تلفنی و پیامکی داشتیم و بعد هم قرار ازدواج گذاشتیم، اما من می‌دانستم خانواده‌ام با ازدواج ما مخالفت می‌کنند. به همین خاطر بهرام با من پیشنهاد داد از خانه فرار کنم. روز حادثه وقتی او را دیدم به من یک لیوان نسکافه تعارف کرد.

وقتی نسکافه را خوردم، چیزی نفهمیدم تا اینکه در قاضی سبالار صنعتگر کیفرخواست دو متهم را صادر کرد. مژگان به زودی به جرم مباشرت در قتل عمدی شوهرش و بهنام به جرم معاونت در قتل عمدی ایرج در یکی از شعبه‌های دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شوند.

■ **زورگیر خشن**

مأموران پلیس پس از شنیدن اظهارات دختر جوان، تحقیقات خود را برای شناسایی بهرام آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد بهرام زورگیر خشن سابقه‌داری

یادداشت

کنترل مرزهای اربعین از حرف تا عمل



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

اگر قرار است عبور زائران اربعین از مرزها به سیاق سال‌های قبل انجام شود، بهتر است در این باره تجدیدنظری اساسی صورت گیرد. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه عبرت‌های بسیاری به همراه داشت که اگر به آن توجه نشود، نمی‌شود از دامن آسیب‌هایی که گریبان کشور را می‌گیرد، رها شد. روشن است از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، کشور در معرض تهدید بوده و هست و دشوارتر از دشمن خارجی با جریان نفوذی مواجه هستیم که دشواری مبارزه با آن به مراتب سخت‌تر از دشمن خارجی است. از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون بیش از ۲۳ هزار نفر در جریان حوادث تروریستی به شهادت رسیده‌اند. روشن است عملی شدن این حوادث ناگوار هرچند ریشه در غرب دارد، اما مجریان آن جریان‌های نفوذ هستند که ساختار امنیتی تلاش‌های بسیاری برای شناسایی، بازداشت و مجازات آنها به کار می‌گیرد. بخش مهمی از ثمره تلاش‌ها در مواردی که مرزهای کشور به حال خود رها می‌شوند از دست می‌رود. همه کسانی که در این سال‌ها راهی زیارت اربعین شده‌اند، شاهد هستند که عبور از مرزهای زمینی به راحتی و با نشان دادن کارت ملی امکان‌پذیر است. براساس تجربه، سیل جمعیت برای خروج از مرزها، خصوصاً در روزهای نزدیک به اربعین انقدر زیاد می‌شود که اساساً امکان کنترل افراد وجود ندارد، برای همین تنها راه پیش‌رو، رها کردن مرز است که همه ساله صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی هر تروریست یا مجرم تحت تعقیبی که قصد خروج غیرقانونی از کشور را دارد از ظرفیت ایجاد شده برای خروج از کشور استفاده می‌کند و به همراه لوازم یا تجهیزات که دارد از مرز عبور می‌کند. این روزها پلیس از اعلام آمادگی برای برگزاری مراسم اربعین خبر داده و زیرساخت‌های بسیاری برای برگزاری این آیین بزرگ فراهم شده است. با این حال باید در نظر داشت نباید در شرایط ایجاد شده این امکان فراهم شود که بسیاری از عوامل نفوذ از وضعیت ایجاد شده برای ضربه زدن به امنیت کشور استفاده کنند. از همین‌و سازمان‌های خدمات‌رسان که وظایف آنها در خدمات اجرایی تعریف شده است باید با مرور وضعیت سال‌های قبل امکان کنترل همه افرادی که قصد عبور از مرزها را دارند، فراهم کنند.



آتش‌سوزی تولیدی کفش مهار شد

حادثه آتش‌سوزی در چند مغازه تولید کفش بازار تهران با تلاش آتش‌نشانان بهمار و از سرایت آتش جلوگیری شد.

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران به «جوان» گفت: ساعت ۱۰:۳۴ صبح روز گذشته، آتش‌نشانان سه ایستگاه از حادثه آتش‌سوزی در کارگاه‌های تولید کفش در کوچه غربیان بازار بزرگ تهران باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد آتش‌سوزی در سه مغازه تولیدی که هر کدام یکصد متر مساحت داشت، اتفاق افتاده و به دلیل وجود مواد آتش‌زا، آتش در حال سرایت به مغازه‌های اطراف بود. آتش‌نشانان همزمان باایمن کردن محل، موفق شدند در اولین گام از سرایت آتش به مغازه‌های اطراف جلوگیری کنند و در نهایت آتش بدون تلفات جانی مهار و خاموش شد. علت حادثه در دست بررسی است.



دختر فراری از یک قدمی مرگ به زندگی بازگشت

است که خودش را به دختر جوان، تاجر فرش معرفی کرده و او را فریب داده‌است. وی پس از دستگیری به مأموران گفت: «مدتی قبل با زن و مرد خلافکاری آشنا شدم که خانه فسادری را اداره می‌کردند. آنها به من پیشنهاد دادند اگر بتوانم دختران جوان را فریب دهم و به آنها معرفی کنم، دستمزد خوبی به من می‌دهند. پیشنهاد آنها وسوسه‌کننده بود و مدتی قبل که با پروانه در فضای مجازی آشنا شدم، او را فریب دادم و گفتم تاجر فرشم. روز حادثه او را تشویق کردم از خانه فرار کند. وقتی پروانه را دیدم با نسکافه مسموم او را بی‌هوش کردم و به خانه آن زن و مرد بردم. پروانه راضی نشد با آنها همکاری کند و آنها هم او را شکنجه دادند که پروانه بی‌هوش شد و ما فکر کردیم فوت کرده‌است. سپس پیکر او را داخل پتویی پچاندیم و داخل کمد قرار دادیم».

تحقیقات از متهم در حالی ادامه دارد که مأموران در تلاشند زن و مرد جوان را شناسایی و بازداشت کنند.